



جواد رسولی
روزنامه‌نگار

جادوگران قبیله‌های مجازی

دوستم کارلوس کارمند اداره پست اسپانیاست و در وقت‌های آزادش به طور جدی تاریخ و سیاست را دنبال می‌کند و یکی از معدود کسانی است که دیده‌ام این‌جادر باره اوضاع سوریه و لبنان و عراق تحلیل‌های دقیق و اطلاعات به روز دارند. او موبایل ندارد. در واقع یک موبایل مشترک با همسرش دارند که او با خودش جایی نمی‌برد. شب‌هایام‌های واتس‌اپی را که برایش آمده چک می‌کند و به آنها پاسخ می‌دهد. در هیچ شبکه اجتماعی حساب ندارد و از همه این بازی آنلاین بودن فراری است. آن اوایل تصور می‌بود که این یک جور ادب‌آبرای متفاوت بودن است، اما بتدریج که بیشتر شناختمش متوجه شدم که واقعاً دوست ندارد در معرض باشد. دوست ندارد زندگی واقعی و پر خوردهای دوستانه و رودرو را با حضور مجازی عوض کند و راستش گاهی بهش حسودی‌ام می‌شود.

آدم‌هایی مثل کارلوس با این نهان کردن خودشان از جهان دیجیتال چه چیزی را از دست می‌دهند؟ فکر می‌کنم پاسخ به این سؤال می‌تواند چیزهایی را روشن کند. می‌تواند باعث شود قدری در زندگی پرستایی که برای خودمان درست کرده‌ایم متوقف شویم و سعی کنیم خودمان را، صاحبان چندین حساب اجتماعی در مهم‌ترین شبکه‌های اجتماعی دوران، تماشا کنیم. ما چطور؟ ما با زندگی دیجیتال چه چیزهایی به دست آورده‌ایم یا از دست داده‌ایم؟ این پرسش‌ها البته نمی‌توانند در یک متن کوتاه از این جنس پاسخ بگیرند. اما به ما این مجال را می‌دهند تا در حول و حوش آنها فکر کنیم و خودمان را بهتر بشناسیم. شبکه‌های اجتماعی به عنوان مهم‌ترین بخش فضای مجازی که امروز بخش بزرگی از زمان ما را به خودشان اختصاص داده‌اند، چه چیزهایی را برای ما عوض کرده‌اند؟

اغلب ما عادت کرده‌ایم اخبار را از شبکه‌های اجتماعی دنبال کنیم. عادت نشستن پای یک شبکه تلویزیونی برای گوش دادن به اخبار بتدریج جایش را به دنبال کردن چندین حساب توئیتری، فیس‌بوکی یا کانال تلگرامی داده است که با سرعت بالایی ما را در جریان آخرین خبرهای دنیا قرار می‌دهند. اما آیا این بجز سریع‌تر شدن روند اطلاع رسانی، چه چیز دیگری را تغییر داده است؟ ما همچنان اغلب حساب‌های اجتماعی همان شبکه‌های خبری تلویزیونی را دنبال می‌کنیم. با اینکه چند نفر از روزنامه‌نگاران که برای این شبکه‌ها کار می‌کنند و به نظر من آدم‌های مطلع هستند. همچنان به نظر من باید دنبال اخبار در جاهایی رفت و به کسانی اعتماد کرد که تا جایی ممکن «راستش» را می‌گویند و به اندازه کافی بی‌طرف هستند. ما قبلاً هم این کار را می‌کردیم. چیزی که عوض شده فرم اطلاع رسانی و سرعت آن است؛ و گرنه جهان خبری همچنان با قواعد بنگاه‌های قدرتمند رسانه‌ای کار می‌کند. این را در جوه دیگر فضای مجازی هم می‌شود دید. همچنان پر فالوورترین حساب‌های اجتماعی متعلق به ستاره‌های بزرگ موسیقی و سینما و ورزش است. در فوتبال کرستیانو رونالدو و مسمی و صلاح و نیمار نبض بازار را در دست دارند. همان طور که در جهان واقعی همین‌گونه است. پر مخاطب‌ترین ستاره صنعت سرگرمی در توئیتر همچنان کتی پری است و در میان سیاستمداران او با ما محبوبیت بالایی دارد. اتفاقی مشابه آنچه در فضای رسانه‌ای غیرمجازی نیز روی می‌دهد. در فضای اقتصاد و کسب و کار، شرکت‌های بزرگ چندملیتی و غول‌های رسانه‌ای فضای مجازی را هم قبضه کرده‌اند. آمازون، اپل، مایکروسافت، گوگل و فیس‌بوک اصلاً فرمانروایان جهان مجازی هستند. همان طور که در واقعیت هم کنترل اوضاع را به دست دارند و بیشترین منفعت را می‌برند. پس چه چیزی عوض شده است؟

آن چیزی که تغییر کرده میزان دسترسی بیشتر آدم‌ها به اطلاعات از یک طرف و امکان بروز ظهور صدا‌های جدیدی است که تا پیش از این فرصت و امکان ظهور نداشتند. در این فضای تازه است که ناگهان ممکن می‌شود یک کاربر عادی مثلاً از وزیر ارتباطات مطالبه‌ای کند و او مجبور به پاسخ شود. وزیر خارجه مابتن در سریع‌ترین زمان به سخن سیاستمداری در جبهه رقیب پاسخ بدهد، یک فراخوان در زمانی کوتاه برای اعتراض یا در حمایت از چیزی شکل بگیرد، کسب و کارهای کوچک فرصت ارائه و معرفی خودشان را داشته باشند، افراد برای خودشان هویت‌های تازه بسازند و روایت‌های دیگری بجز آنچه پیش از این وجود داشت از وقایع و رخدادها پیش چشم قرار بگیرد. این تغییر کاملاً بنیادی است چون زندگی ما را از حالت نه چندان شلوغ و پیرسر و صدای پانزده سال پیش، به شکل پرشتاب، پراشتاب و پیرآشوب امروز در آورده است. ما نسبت به گذشته بسیار بیشتر در معرض روایت‌های تازه و حرف‌ها و استدلال‌های جدید قرار می‌گیریم. ظرف چند دقیقه با حضور در تایم لاین یکی از شبکه‌های اجتماعی، در معرض انبوهی از مسائلیم: حقوق زنان، وضعیت

تحصیل کودکان روستایی، گم شدن یک دختر جوان، حمله پرنده‌ای ناشناس به مرز عراق، دعوی رئیس جمهوری آمریکا با مشاور امنیت ملی اش، سرقت خانه یک دوست قدیمی که در اروپا زندگی می‌کند، بحث وجدال آنتیست ها و دینداران، نوحه محرم، خبر فساد اقتصادی و... چارلز تیلور، فیلسوف کانادایی نام این وضعیت را زندگی در «فشار چند وجهی» (Cross-pressured) گذاشته است. برخلاف گذشته، حالا مادر شرابیطی زندگی می‌کنیم که مدام با روایت‌های تازه‌ای از معنای زندگی مواجه می‌شویم و این می‌تواند همه چیز را بسیار پیچیده و غیرقابل تحمل کند. اینجاست که شبکه‌های اجتماعی گروه‌های از ستاره‌ها را به ما معرفی می‌کند که ادعا می‌کنند می‌توانند ما را از این پیچیدگی نجات دهند. «روان شناس‌ها» و «فیلسوف‌ها» و «کارشناسان» تازه‌ای که قول می‌دهند خیلی ساده و صریح راه‌های جهان را با ما در میان بگذارند. ما را از شر هجوم این همه داستان متناقض و نگران‌کننده نجات بدهند و لب کلام را بر ایمان بگویند. این ستاره‌های تازه با انبوه مخاطب و به دنبال مخاطب بیشتر، لازم است با زبانی صحبت کنند که آسان و همه‌فهم باشد و از توضیحاتی استفاده کنند که نیازی به آشنایی با علوم و تاریخ و مسائل پیچیده نداشته باشد. برای همین هم جمله‌ها مدام ساده‌تر و توضیحات تصویری‌تر می‌شوند. شبه علم جای علم را می‌گیرد و خرافات با بسته‌بندی جذاب و امروزی وارد این بازار می‌شود. درست مثل آنکه نویسندگان ستون طالع‌بینی در مجلات خانوادگی، سردبیری را به دست بگیرند. ظهور این حساب‌های پر طرفدار و تبدیل شدنشان به مرجع‌هایی جدید - یا شاید هم جادوگرانی که با قدرت کلام، ظاهر و دانستن نقاط ضعف ما، توجه ما را به خودشان جلب می‌کنند - یکی از مهم‌ترین تغییراتی است که جهان مجازی در زندگی ما ایجاد کرده است. ساده‌سازی پدیده‌های پیچیده، ما را به آدم‌های احمق‌تری تبدیل می‌کند و شبکه‌های اجتماعی با قدرت و سرعت بالایی توانسته‌اند این حماقت را در همه جا منتشر کنند.

تصور می‌کنم کسانی مثل کارلوس، که عاقلانه خودشان را از رسانه‌های مجازی و شبکه‌های اجتماعی دور نگه می‌دارند، دارند آن کار سخت‌تر را می‌کنند. کار مواجه شدن با جهان پیچیده و پرتناقضی که پیش روی ماست و پرهیز از قرار گرفتن در معرض کسانی که می‌خواهند ما را متقاعد کنند اوضاع خوب است و چیزها تحت کنترل اند و در پایان قرار است همه چیز درست شود. در جهانی که تو آن آدم‌های نادان و متوهم می‌تواند بسیار تأثیرگذارتر از کسانی باشد که در کاری تخصص دارند، شاید هم بهترین کار همین باشد که از هر چه که ما را در معرض دسته‌اول قرار می‌دهد تا می‌توانیم دوری کنیم.

